

محمد حسن سعیدی

دانشکده: مهندسی مکانیک

تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۴/۴/۱۵

مصاحبه کننده: سیدمصطفی هاشمی

سال ورود: ۱۳۴۹



• لطفاً یک بیوگرافی از خودتون بفرمایید.

خیلی ممنون از حضور شما و همین طور که فرمودید پنجاهمین سال تاسیس دانشگاه می تواند اهداف مختلفی را پیگیری نماید، یکی اینکه دانشگاه دوران جوانی خود را سپری کرده است و به

دوران بلوغ و استقرار رسیده است و لذا بررسی دقیق و مو شکافانه عملکرد دانشگاه در نیم قرن گذشته می تواند تجربه گراندردی برای مدیران فعلی و آتی دانشگاه برای کمک به آینده نگاری و برنامه ریزی های راهبردی در دهه های آتی گردد و در ثانی این واقعه مهم باید به نحو شایسته ای برگزار گردد و دانشگاه در آستانه پنجاهمین سال تاسیس، نقش و تاثیر بی بدیل خود را در توسعه اجتماعی، اقتصادی و صنعتی کشور در عرصه ملی و بین المللی به شایستگی ارائه نماید. اینجانب محمد حسن سعیدی، عضو هیئت علمی و در حال حاضر استاد دانشکده مهندسی مکانیک و رئیس مرکز زبان ها و زبان شناسی دانشگاه می باشم. بیو گرافی خلاصه ای رو اگر بخواهم خدمت شما عرض کنم. بنده سال ۴۹ در همین دانشگاه به عنوان دانشجوی کارشناسی قبول شدم. اول مهر ماه سال ۵۴ به عنوان دستیار آموزشی در دانشکده مهندسی مکانیک استخدام شدم. پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفتم. در دانشگاه میشیگان در شهر آن آربرابتدا کارشناسی ارشد رو اونجا گرفتم و به عنوان دانشجوی دکترا در همان دانشگاه شروع به ادامه تحصیل کردم، لیکن در دی ماه سال ۵۸ همراه با خیل عظیمی از دانشجویان آمریکای شمالی و کاناداکه تحت تاثیر انقلاب اسلامی به ایران بر می گشتند، بنده نیز به ایران برگشتم و مجدداً در دانشکده مهندسی مکانیک شروع به کار کردم. سال ۱۳۷۳ دوره دکترای خود را در دانشکده مهندسی مکانیک شروع کردم و سال ۱۳۷۸ موفق به اخذ دوره داکترای خود شدم. یک سال در فرصت مطالعاتی در دانشگاه نیوبرونزویک کانادا بودم و یک سال نیز بورسیه دولت فرانسه در پلی تکنیک لورن دانشگاه نانسی بودم. مسئولیت های مختلفی در دانشکده مهندسی مکانیک و دانشگاه داشته ام. دو سال مدیر گروه تبدیل انرژی دانشکده مهندسی مکانیک، دو سال معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده، سه سال رئیس دانشکده و دوسال معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه بوده ام. اولین مدیر قطب علمی تبدیل انرژی در دانشگاه بوده ام که کماکان این مسئولیت را به عهده دارم و همانطور که عرض کردم در حال حاضر رئیس مرکز زبان ها و زبان شناسی دانشگاه هستم.

• بسیار خوب خیلی متشکرم. به نظر شما سال ۱۳۴۹ که به عنوان دانشجو وارد دانشگاه شدید

وضعیت دانشگاه از نظر امکانات آموزشی، پژوهشی و مدیریت در دانشگاه چگونه بود؟

ببینید اولاً "دانشگاه در سال ۴۴ با پذیرش دانشجوی کارشناسی شروع به کار کرده بود و در سال ۴۹ هنوز دوره های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه راه نیفتاده بود شاید دانشکده فیزیک بطور بسیار محدود اقدام به پذیرش دانشجوی دکترا می کرد ولی می توان گفت ماموریت دانشگاه در آن سال ها تربیت دانشجوی کارشناسی بود و البته صنعت کشور هم در حال تغییر و تحول سریع بود و این ماموریت می توانست نقش دانشگاه را در تربیت کارشناسان زنده فنی و صنعتی پر رنگ نماید. لذا آن دهه را یعنی از سال ۱۳۴۴ تا حدود سال ۱۳۵۴ را به حق می توان دهه آموزشی در دانشگاه تلقی کرد. ببینید قضاوت در آن دوران به عنوان یک دانشجو در مورد مدیریت در دانشگاه شاید دشوار باشد و نتواند قضاوت صحیح و منصفانه ای باشد، لیکن در آن زمان وقتی خودمان را با دانشجویان سایر دانشگاههای مطرح تهران مقایسه می کردیم و اطلاعات سایر دانشگاهها را از دوستان دبیرستانی خود که در آن دانشگاهها قبول شده بودند می گرفتیم به خود می بالیدیم که استادان دلسوز، با انگیزه و از نظر تواناییها و سوابق علمی و آموزشی جزء برترین های کشور و حتی مطرح در عرصه آموزش عالی بین المللی بودند. خوب در اینجا می توان گفت که مدیران ارشد دانشگاه در آن زمان که خود از مرحوم دکتر مجتهدی خط و خطوط لازم را گرفته بودند نقش مدیریتی خود را به بهترین وجه ایفا نموده بودند. آموزش با استاندارد های بالا، آزمایشگاههای مدرن و نو در آن زمان، استادان با انگیزه و دلسوز و تمام وقت و دانشجویانی که اولاً "پیش نیاز های آموزشی و شرایط اولیه لازم را داشتند و ثانیاً" این محیط آموزشی برایشان بسیار جذاب بود. بگذارید بی پرده عرض کنم که این جانب خیلی تحت تاثیر این جو و شرایط قرار داشتم و دلیل اینکه شاخه ترمودینامیک را برای ادامه درس و تحقیق خود انتخاب کردم تاثیر پذیری از شخصیت اخلاقی و علمی یک استاد در آن زمان بود که مرا شیفته خود کرده بود و در اینجا نمی خواهم اسم ایشان را بیاورم چون از این نمونه ها در

دانشگاه فراوان بود. استادانی که فرقی بین دفتر کار و خانه اشان نبود و در مواردی تخت خواب سفری و تاشو در گوشه دفترشان نشان از این می داد که اگر لازم باشد شب ها هم در دفتر کارشان اطراق می کنند. خوب این شرایط و می توانم بگویم ارزش ها باعث شد که دانشگاه سرآمد شود و بالطبع دانش آموزان خوب هم این دانشگاه را به عنوان دانشگاه خود انتخاب نمایند. از نیمه دوم سال های ۵۰ دوره های کارشناسی ارشد در دانشکده های دانشگاه فراگیر شد و از اواخر دهه ۶۰ دوره های دکترا در دانشکده های مختلف دانشگاه تاسیس گردید. لذا تقسیم دوران دانشگاه به سه یا چهاربرهه آموزشی، پژوهشی، و فناوری به نظر این جانب می تواند تقسیم بندی درستی باشد و نقد هر یک از این برهه ها می تواند برای مدیران فعلی و آتی دانشگاه درس آموز باشد.

• به نظر جناب عالی آیا فعالیت های جاری دانشگاه در جهت اهداف اولیه دانشگاه می باشد و

فعالیت دانشجویان را چگونه ارزیابی می کنید؟

به ببینید شاید بتوان گفت هدف اولیه دانشگاه تربیت مدیران توانمند صنعتی بود و شما اگر دسترسی به بروشور های اولیه دانشگاه در آن زمان داشته باشید این هدف به وضوح بیان گردیده بود، لیکن می توانم عرض کنم این هدف در سال های بعد و با گسترش آموزش عالی در کشور و نیاز به اعضای هیئت علمی برای این توسعه تعمیم داده شد. همین الان اگر شما آمار اعضای هیئت علمی دانشگاه های علوم و مهندسی کل کشور را بررسی نمایید. تعداد قابل توجهی از اعضای هیئت علمی مطرح و موفق آن دانشگاهها کسانی هستند که حداقل یک مدرک تحصیلی خود را از دانشگاه صنعتی شریف گرفته اند. لذا این مسئله نقش بی بدیل دانشگاهمان را در توسعه و گسترش آموزش عالی در کشور می رساند.

بنابراین می توانم عرض کنم که دانشگاه از این بابت و از نظر توسعه تحصیلات تکمیلی در دانشگاه سمت گیری درستی داشته است هر چند این سمت گیری با افراط و تفریط هائی همراه بود است

که خود از سمت گیری آموزش عالی در کشور تاثیر گرفته است و اگر فرصت داشته باشیم به آن خواهیم پرداخت. اما در ارتباط با سؤال شما، الان با توجه به آمارها تقریباً نیمی از دانشجویان دانشگاه در تحصیلات تکمیلی مشغول به تحصیل هستند و اگر بپذیریم که دانشگاه دوران فناوری خود را سپری می‌کند. تاسیس شرکت‌های دانش بنیانی که این دانشگاه به عنوان شروع کننده و آغاز کننده اش بوده است میتواند به دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه پیش از اینکه وارد بازار کار و عرصه صنعتی شوند کمک کند که تمرین کار تیمی و ایده پردازی داشته باشند و بتوانند با دست‌پرتروارد بازار کار و صنعت شوند.

• به نظر جنابعالی آیا الان استادان و دانشجویان می‌توانند به صنعت نزدیک شوند یا گذشته؟

ببینید به نظر این جانب دانشگاه با همه کاستی‌هایی که ممکن است در کارش داشته باشد باز هم نقش خود را به خوبی اجرا می‌کند. دانشگاه وظیفه دارد که دانشجوی کارشناسی خود را پیش از ورود به بازار کار با محیط و فضای بازار کار آشنا کند که آن از طریق کارآموزی، کارورزی و اینترن شپ میسر است و بدون حمایت مدیران ارشد صنعتی و آموزش عالی کشور که خود آگاه و آشنا به این مقوله باشند امکان پذیر نیست. ثانیاً "دانشگاه باید دانشجویان تحصیلات تکمیلی خود را درمرز دانش و فناوری آموزش دهد و بدین منظور بایستی ابزار لازم را در اختیار داشته باشد. برای این کار اولاً" لازم است استادان خود توانمندباشند یعنی با دانش و فناوری روز دنیا آشنائی و ممارست کافی داشته باشند و دیگری امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی و محاسباتی در اختیار داشته باشند و در آخر فضا و محیط آموزشی خوب و با جذب. تمامی موارد فوق هم اکنون در دانشگاه با کاستی‌هایی همراه است که بر طرف کردن این موارد بایستی دغدغه مدیران فعلی و آتی دانشگاه باشد. محدود کردن ارزشیابی اساتید به ترفیع و ارتقا کافی نیست. استاد جوانی که در دانشگاه استخدام می‌شود نیاز به مواظبت و کسب تجربه دارد. بخش مهم ارزشیابی اساتید بایستی به این نکته معطوف گردد که آیا استاد در زمینه آموزشی و تحقیقاتی خود در حال فراگیری و تجربه اندوزی است، و دانشگاه از

این مسئله نباید غافل باشد. اقدام عملی برای این کار آن است که همه پروژه های ملی و صنعتی کشور حداقل مطالعات امکان پذیری و طراحی مفهومی آن ها در دانشگاه و یا با مشارکت مستقیم دانشگاه انجام گیرد. حسن این قضیه آن است که استادان با صنعت و فناوری مورد نیاز کشور آشنا و درگیر می شوند. نمونه های زیادی را می توان مثال زد که پروژه هایی بدون مطالعه، توجیه و تحقیق کافی انجام گردیده است و کشور از این نظر دچار خسران مادی و معنوی بسیار گردیده است. ذکر پاره ای از آن ها نیاز به وقت و فرصت دیگری دارد. به بحث خود باز گردیم حتی اگر لازم باشد بایستی استادان را در برهه های مختلف راهی بنگاه های اقتصادی، کارخانجات و مراکز صنعتی نمود تا خود در درجه اول با نیاز های صنعتی کشور آشنا شوند. با مدیریت جزیره ای و غیر متمرکز حاکم بر کشور و با بخشنامه این کار جواب نمی دهد. تا وقتی که هر نماینده مجلس به فکر تاسیس کارخانه پتروشیمی، مجتمع فولاد، دانشگاه و فرودگاه در حوزه انتخابیه خود می باشد و در موارد متعددی بدون مطالعات امکان پذیری و توجیه فنی اقتصادی موفق به این کار نیز شده اند کار آموزش عالی در کشور لنگ است. حمایت از آموزش عالی در عرصه ملی نیاز به همکاری و نظر مدیران ارشد صنعتی کشور دارد که نیاز های توسعه ای کشور را درک کرده باشند و دید ملی داشته باشند. نکته ای را که بی پرده می خواهم عرض نمایم آن است که ماموریت آموزش عالی در کشور مغفول مانده است و تقسیم کاری در حال حاضر در بین نیست. معلوم نیست دانشگاه صنعتی شریف چه نقشی در توسعه صنعتی کشور بایستی بازی کند و متأسفانه در طول سال های گذشته مراکز آموزش عالی کوچک، انستیتوهای تکنولوژی و مدارس عالی که با هدف اولیه تربیت کادر تکنیسین و کارشناسی تاسیس گردیده بودند، به سرعت تبدیل به دانشگاه با همه دوره های تحصیلی اعم از کارشناسی و تحصیلات تکمیلی شده اند و هدف اولیه بکلی فراموش شده است و به این دلیل است که در مواردی برای یافتن یک تکنیسین خوب و حرفه ای درمانده ایم. نکته بعدی دسترسی دانشجوی تحصیلات تکمیلی به امکانات و تجهیزات پیشرفته آزمایشگاهی و محاسباتی برای انجام یک تحقیق خوب و

درمرز دانش است و در حالی که این امکانات در کشور های توسعه یافته عموماً توسط صنایعی که نیاز به آن تحقیق دارند تامین می شود ولی صنعت ما با توجه به دولتی بودن آن و با توجه به اینکه خود را هنوز بی نیاز از تحقیق و توسعه می بیند لذا خود را شریک در این تحقیق هزینه بر در دانشگاه نمی بیند و لذا هم اکنون جای کار تحقیق و پژوهش عمیق در دانشگاه خالی است و ردیف بودجه های دانشگاه تکاپوی تجهیزات و لوازم مورد نیاز و ضروری دانشجوی تحصیلات تکمیلی را نمی دهد و این خود بایستی از دغدغه های مدیران دانشگاه باشد که به دنبال تامین مالی دانشگاه خارج از ردیف بودجه های دولتی که روز به روز کمتر و کمتر می شود باشند. و در آخر ایجاد محیط مناسب برای رشد ابعاد شخصیتی دانشجویانمان باشیم. واضح است دانشجویی که کشور خود را خوب ندیده باشد و با جاذبه ها و نیاز های کشور آشنا نباشد آمال و آرزوهای خود را در خروج از کشور ببیند.

- آقای دکتر با توجه به اینکه جنابعالی هم رئیس دانشکده بودید و نیز به عنوان معاون آموزشی دانشگاه مسئولیت داشته اید، این دانشگاه ها رو با سایر دانشگاه ها چگونه می توان مقایسه کرد از لحاظ آموزشی ما جلو تریم یا عقب تریم ؟

اگرچه سؤال شما خیلی کلی است و پاسخ به آن دشوار است ولی بگذارید جور دیگری به این سؤال پاسخ دهم یعنی دغدغه مقایسه خودمان را با دانشگاههای دیگر کنار بگذاریم و به آسیب شناسی وضعیت آموزشی حالمان بپردازیم. فکر می کنم در باره گذشته آموزشی دانشگاه توضیح دادم و باز هم تاکید می کنم در آن برهه آموزشی، دانشگاه عملکرد شایسته ای از خود نشان داده است به گونه ای که هم در کشور و هم تا حدودی در دنیای آکادمیک بین المللی کاملاً شناخته شد. لیکن اجازه دهید وضعیت آموزشی را در حال حاضر در دانشگاه توصیف نمایم و بعد یک نتیجه گیری و جمع بندی در این مورد داشته باشیم. از خودم و درسی که عموماً ارائه می دهم یعنی ترمودینامیک شروع می کنم. این درس با اندک تفاوتی در حداقل چهار دانشکده دیگر ارائه می شود و ما اساتید تقریباً

روزانه همدیگر را می بینیم بدون اینکه از حال و روز درس همدیگر خبر داشته باشیم. خب نتیجه ای که می خواهیم بگیریم این است که دانشکده های ما الان نظیر جزایر مستقل با کمترین مشارکت آموزشی با یکدیگر عمل می کنند. خوب وظیفه مدیرارشد آموزش دانشگاه چه باید باشد. اینجا است که بنده عرض می کنم درس های ما، برنامه های آموزشی ما، رشته و گرایش های ما و حتی ساختار آموزشی دانشکده های ما در جهت مشارکت، هم افزائی و بهره وری بیشتر است و دانشکده ها بایستی باز نگری و اصلاح کردند. معاون آموزشی دانشگاه بایستی منتظر بخشنامه از بالا باشد و الا ما در آموزش خود درجا خواهیم زد و روز به روز موقعیت و جایگاه دانشگاهمان را از دست خواهیم داد. یادمان باشد که در گذشته بسیاری از برنامه ها و دوره های آموزشی و دستورالعمل ها ابتدا توسط این دانشگاه تهیه می شد و بعداً" در وزارت علوم بصورت برنامه کشوری و سراسری در می آمد. لذا باز هم تاکید می کنم دروس، برنامه های آموزشی، گرایش ها و رشته ها مورد نقد و بازنگری قرار گیرند و اگر در حال حاضر و در آینده نیازی به آنها نیست و قدیمی و از رده خارج هستند حذف و اصلاح و برنامه های آموزشی جدید جایگزین آنها گردد. حتی از این هم فراتر، اگر دودانشکده دارای ۵۰ درصد و بیشتر همپوشانی آموزشی و پژوهشی با یکدیگر می باشند خوب چه اشکالی دارد در هم ادغام شوند. مگر این اتفاق در دانشگاههای مطرح دنیا اتفاق نمی افتد دانشگاه در این برهه واقعا نیازمند هم افزائی و استفاده بهینه از کادر آموزشی، امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی و حتی فضای فیزیکی است. دانشگاه از این بابت وضعیت مناسبی ندارد و مدیران ارشد دانشگاه از این بابت مسئولیت سنگینی برعهده دارند. اینجاست که مصلحت اندیشی را بایستی کنار گذاشت و مدیر ارشد دانشگاه به عنوان نظریه پرداز و معمار آموزشی آنجا را که لازم است باز سازی و نوسازی کند و آنجا هم که لازم است حذف و تعطیل کند.

- نظر تان راجع به امور مدیریتی در دانشگاه چیست؟

پیش از اینکه این سؤال شما را پاسخ دهم می‌خواهم راجع به نقش ارزنده و ماندگار انسان های تاثیر گذار در امور آموزشی نظیر مرحوم دکتر مجتهدی به پردازم. کتابی را تحت عنوان ۵۰ متفکر نوین آموزش در قرن بیستم مطالعه می کردم و در بین آنها می خواهم نمونه ای از عملکرد یکی از آنها را به نام کلارک کر ذکر کنم این فرد علاوه بر اینکه کارنامه پر و پیمانی از خدمات اجتماعی را دارد نظریه پرداز برجسته ای در آموزش عالی آمریکا در قرن بیستم است. کلارک کر از ۱۹۵۸ به مدت نه سال ریاست دانشگاه های کالیفرنیا را بر عهده میگیرد و در طی این نه سال تقسیم بندی و چیدمان نوینی را در سیستم آموزش عالی دانشگاه های حوزه کالیفرنیا تعریف و مستقر می کند. این چیدمان در برگیرنده کالج دو ساله ، دانشگاه های چهارساله برای تربیت کارشناس و دانشگاه های عالی و برجسته برای تربیت کارشناسی ارشد و دکتری است. هریک از این موسسات، جایگاه و موقعیت خود را دارند و همگی این موسسات به نوعی به خدمات همدیگر نیازمندند و هیچ دانشگاه و موسسه آموزش عالی در این مجموعه خود را برتر نمی داند. می خواهم نتیجه بگیرم که آموزش عالی ما هم نیازمند و تشنه این چنین انسانهای نظریه پرداز در امور آموزش عالی است و برای تربیت این چنین انسانهای تاثیر گذاری بایستی شرایط اجتماعی آماده باشد. اما در مورد دانشگاه خودمان، می خواهم عرض کنم که در هیچ مقطعی دانشگاه به فکر تربیت مدیر برای خود نبوده است. ما در دانشگاهمان با تفکر شورائی بهترین و مخلص ترین همکاران خود را به عنوان رئیس دانشکده و دانشگاه انتخاب می کنیم ولی هرگز به ویژگیهای ذاتی و اکتسابی مدیریتی آن همکار به عنوان اولویت نخست نگاه نمی کنیم و در نتیجه نمی دانیم همکارمان آیا می خواهد با سعی و خطا دانشگاه را اداره کند که در این صورت دانشگاه فرصت ها را از دست خواهد داد و در این صورت در این شرایط کاملا رقابتی در حوزه آموزش عالی، دیگران گوی سبقت را از ما خواهند ربود. بی پرده عرض کنم مگر معماران و طراحان اولیه دانشگاه مثل مرحوم دکتر مجتهدی و دکتر امین روسای انتخابی بود اند؟ ولی دکتر مجتهدی در دوره تعلیم و تربیت آبدیده شده بود. شاید اگر آن زمان اختیار انتخاب رئیس دانشگاه

به استادان داده می شد مرحوم دکتر مجتهدی انتخاب نمی شد. ولی دیدیم که ایشان چگونه دبیرستان البرز، پلی تکنیک تهران، دانشگاه ملی آن زمان و دانشگاه شیراز را اداره کرده بود. خب شخصی با این ویژگی ها و کوله باری پر از تجربه، احتمال خطای کمتری دارد. اینجاست که می خواهیم نقش انسان ها و در واقع اندیشه را در ایجاد بستر و شرایط مناسب برای رشد و توسعه پر رنگ کنیم. این مورد فقط در مورد شخص رئیس دانشگاه نیست. به عنوان مثال معاون مالی اداری دانشگاه اگر چشمش به ردیف بودجه دولتی باشد که نمی تولند در این اوضاع و احوال دانشگاه را سرآمد نگه دارد پس با حفظ اصول بایستی دنبال کسب در آمد شرافتمندانه برای دانشگاه باشد. بودجه دولتی که تکاپوی حقوق و دستمزد را نمی دهد، چگونه می خواهد تجهیزات به روز و مدرن برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و استادان تامین نماید ومدعی دانشگاهی شاخص و بین امللی باشد. از طرفی هر موقع ما صحبت از دانشگاه می کنیم بلافاصله دانشجو و استاد جلو چشممان ظاهر می شود و غافل از آنیم که دانشگاه ما بیش از دو برابر تعداد استادان دارای کارکنان اداری، فنی و خدماتی است و نقش این بخش رادر ارتقاء دانشگاه نبایستی دست کم گرفت. در پاره ای موارد انسان می بیند که یک کارشناس و تکنیسینی که کار خود را به درستی و خوب انجام می دهد چقدر در محیط کارش تاثیر می گذارد. بنابراین توجه به کادر اداری- فنی دانشگاه، ارتقاء شغلی و آموزش های مداوم حین خدمت آنها لازمه یک دانشگاه سرآمد است.

• به نظر شما وضعیت ارتباط با صنعت و مراکز کسب کار دانشگاه چگونه است؟

متأسفانه با این مقوله بیشتر بصورت شعاری برخورد می شود ولی حقیقتاً این موضوع می تواند ارتباط دانشگاه را با نیاز های توسعه صنعتی کشور آشنا و در گیر کند. ارتباط با صنعت مجموعه ای از اقدامات و فعالیت ها است که به عنوان مثال از بازدید دانشجویان از یک مرکز صنعتی شروع می شود تا کارورزی، کار آموزی، اینترنشیپ، تعریف پروژه های کارشناسی، ارشد و دکتری با مشارکت و با توجه به نیاز صنعت و فرصت مطالعاتی اساتید در صنعت و حتی پذیرش دانشجو و برگزاری دوره

های منجر به مدرک با توجه به نیاز و برای واحد های صنعتی و نهایتاً " پروژه های ارتباط با صنعت اساتید. دانشگاه برای اینکار بایستی برنامه جامع وساز و کار مناسب داشته باشد. شاید این کار ها در دانشگاه به صورت پراکنده ودر معاونت های مختلف انجام می گیرد ولی این نیاز دانشگاه و هدف نهائی را تامین نمی کند. به عنوان یک نمونه کوچک عرض کنم که برای بازدید دانشجویانم از یک مرکز صنعتی که لازمه درس نیز می باشد در دانشگاه بایستی از هفت خوان رستم رد شد و با چندین بخش در دانشگاه تعامل کردو تازه معلوم نیست این کار عملی شود یا خیر. در خیلی از موارد استادان خسته می شوند واز خیر یک بازدید هم میگذرند. لذا می خواهم عرض کنم که باتوجه به یکی از ماموریت های عمده دانشگاه ما که تربیت مهندسیین توانمند برای توسعه صنعتی کشور است پرداختن به این مقوله، ایجاد ساختار، تامین بودجه و امکانات و اتخاذ سیاست های تشویقی برای رفتن اساتید به مراکز کسب و کار و صنعت امری لازم است. شرکت های دانش بنیان که هنوز نو پا هستند و به اصطلاح هنوز به بالندگی و رشد خود نرسیده اند می توانند بخشی از برنامه و سازو کار ارتباط با صنعت دانشگاه باشند

- آقای دکتر فکر می کنید چه اقداماتی بایستی از نقطه نظر آموزشی انجام شود تا دانشگاه مارا شاخص و متمایز از مراکز آموزش عالی و دانشگاههای دیگر کند.

ببینید دانشگاه مجموعه ای از انسان های اندیشمند است. بقول حضرت مولانا: ای برادر تو همه اندیشه ای مابقی تو استخوان و ریشه ای. به نظر اینجانب اولین اقدام ایجاد بستر مناسب برای رشد و اعتلای هیئت علمی و دانشجویان است. در یک چنین فضائی امکان نظریه پردازی است و انسانهای بالنده و تاثیر گذار رشد خواهند کرد. لذا در درجه اول مدیران ارشد دانشگاه بایستی دانشگاه را از حاشیه سازی ها به دور نگه دارند و نگذارند که انرژی و توان این مجموعه به فعالیت ها و کارهایی خارج از حوزه ماموریت و اهداف دانشگاه معطوف گردد. خوب از بعد آموزشی بایستی روحیه تحول

گرا و جسور داشته باشیم و به داشته هایمان اکتفا نکنیم و همواره برنامه های آموزشی خود را پایش و نقد کنیم و این مستلزم ایجاد ساختار و تدوین برنامه می باشد.

- لطفاً نمونه ای از فعالیت هائی که در دوران مسئولیت خود در دانشکده به عنوان رئیس دانشکده مهندسی مکانیک و در دانشگاه به عنوان معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه انجام داده اید بیان کنید.

سؤال بسیار به جایی است. معمولاً فردی که در یک دوره زمانی مسئولیتی داشته است سیاهه ای از فعالیت های خود را به عنوان سابقه یا رزومه خود لیست می کند. اما نکته اینجا است که فردی که مسئولیتی را قبول می کند بایستی بداند تا چه حد تاثیر گذار است و چقدر می تواند مأموریت های اساسی را در حوزه خود تدوین یا به خوبی اجرا نماید. اما در مورد خودم عرض کنم اولاً همیشه از روزمرگی و غرق شدن در مسائل روزانه فراری بوده ام. غرق شدن در روزمرگی و غافل شدن از هدف های اساسی بدترین سم برای یک مدیر است. لذا تلاش کردم برای رفع و رجوع مسائل روزمره وقت منطقی را اختصاص دهم و اولویت کار خود و وقت عمده خود را به مسائل ساختاری اختصاص دهم. احساس کردم که هنوز لازم است چه در دانشکده و چه در دانشگاه، نیاز به به بسیاری دستورات عملی ها و آئین نامه های اجرایی جدید است. بنابراین از خودم و معاونین و مدیران گروه های آموزشی دانشکده توقع داشتم که اولویت را به برنامه ریزی، تدوین و اصلاح آئین نامه ها و دستورات عملی های اجرایی بدهند. به عنوان رئیس دانشکده تلاش کردم که با تعریف مسئولیت های خرد و کلان در حوزه دانشکده، همکاران بیشتری را درگیر کارهای اجرایی دانشکده نمایم. مشارکت حداکثری اعضای هیئت علمی دانشکده، خصوصاً اعضای هیئت علمی جوان دانشکده، علاوه بر درگیر کردن تعداد قابل توجهی از اعضای هیئت علمی در فعالیت های علمی و اجرایی دانشکده، به تربیت مدیران آینده دانشکده و دانشگاه کمک می نماید. تلاش نمودم ارتباط آموزشی و پژوهشی دانشکده را با مراکز آموزشی و پژوهشی داخلی و خارجی بالفعل نمایم. تاسیس دوره دکترای موتور با حمایت

و پشتیبانی لجستیکی تنها مرکز تحقیقاتی موتور کشور به منظور تربیت محقق ارشد و طراح موتورهای جدید ملی در کشور و عملیاتی کردن قرارداد مبادله دانشجو با دودانشگاه برتر کانادا از جمله کارهایی بوده است که در دوره مسئولیت ریاست دانشکده انجام داده ام. در مسئولیت معاونت آموزشی دانشگاه، هدف عمده راجب مشارکت دانشکده ها در تاسیس "پردیس علوم و فناوری شریف" با هدف ایجاد برنامه های آموزشی فناورانه و تا حدودی میان رشته ای و تقاضا محور نظیر: گرافیک و طراحی صنعتی، مهندسی لیزر و فوتونیک، تجارت الکترونیک، بازی های رایانه ای، مهندسی معماری، مهندسی استانداردسازی، مهندسی ورزش، علوم شناختی، علوم زمین و مهندسی نگهداری پیشگیرانه قراردادده ام. در دوره مسئولیت معاونت آموزشی و باهم اندیشی با هیئت محترم رئیسه دانشگاه و مدیران عزیز حوزه معاونت آموزشی در جلسات هفتگی، خلاء نبود دفتر یا مدیریتی که بتواند رشته و برنامه های آموزشی موجود و برنامه های پیشنهادی جدید را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد احساس نمودم. بدین منظور اداره ارزیابی و نظارت برنامه های آموزشی دانشگاه را به عنوان یکی از ادارات حوزه معاونت آموزشی به منظور آنچه که از آن به عنوان ارزیابی درونی نام می بریم تاسیس نمودم. در اینجا لازم می دانم در درجه اول از رئیس محترم وقت دانشگاه جناب آقای دکتر روستا آزاد که اقدامات فوق و بسیاری فعالیت های دیگر حوزه معاونت آموزشی دانشگاه با حمایت های همه جانبه ایشان انجام گرفته است. همچنین لازم است از مدیران عزیزم در حوزه معاونت های آموزشی تشکر کنم که این اقدامات در جلسات کاری شورای مدیران مطرح و بعد از ساعت ها صرف وقت برای بررسی و تصویب، توسط مدیران عزیز اجرائی می گردید.

- آقای دکتر مطلعید مرکزی تاسیس شده است که مسئولیت آن به عهده آقای مهندس میرزایی است تحت عنوان مرکز گنجینه اسناد دانشگاه، که قرار است هر آنچه از گذشته از مستندات در دانشگاه وجود دارد اعم از مجلات، کتاب ها، دستورالعمل ها و سوابق آموزشی،

پژوهشی و اداری یک نسخه از آن در گنجینه اسناد دانشگاه نگهداری شود تا آیندگان به

راحتی بتوانند به این سوابق دسترسی داشته باشند. نظرتان راجع به این موضوع چیست؟

ببینید به نکته ی خیلی مهمی اشاره کردید تاسیس گنجینه سوابق و اسناد دانشگاه و شاید در کنار آن موزه دانشگاه. در حیرتم چرا تا بحال این کار محقق نشده است مگر می شود یک دانشگاه فعالیت درخشان ۵۰ ساله داشته باشد ولی مستندات مربوط به ده سال پیش دانشگاه را نتوان پیدا کرد. بنده برای جمع آوری سوابق معاونان آموزشی دانشگاه از ابتدای تاسیس تا زمان حال را داشتم و با تماس با بخش های اداری دانشگاه متاسفانه نتوانستم بطور مستند و کامل آن ها را بیابم. واقعا دانشگاه نیاز به یک تاریخ مدون و مستند سازی همه جانبه فعالیت های خود دارد و در صورتی که این کار انجام نشود آیندگان ما را نخواهند بخشید. مستند سازی علمی اطلاعات و سوابق دانشگاه میتواند چراغ راهی باشد برای مدیران آینده دانشگاه. بنده فکر می کنم همه آحاد دانشگاه بایستی بروی جمع آوری و تدوین تاریخ دانشگاه بسیج شوند و مدیران ارشد دانشگاه بودجه و امکانت لازم را برای این کار فراهم نمایند.

• آیا خاطره ای از سالها کار در دانشگاه در ذهنتان وجود دارد که برایمان بازگو نمائید؟

خاطره ای عرض می کنم شاید روزی روزگاری به درد بخورد. انتخابات ریاست دانشکده بود و رقابت بین دو کاندیدای دانشکده آقایان دکتر اسماعیل زاده و دکتر دبیری بود، که خداوند هردو عزیز را هر کجا که هستند به سلامت بدارد. انتخابات در دانشکده برگزار گردید و آقای دکتر دبیری اکثریت آرا را کسب کردند. لیکن به دلیل تشکیک در شمارش آراء همکارانی که در جلسه رای گیری حضور نداشتند بین دو کاندیدا اختلاف افتاد و این اختلاف می رفت که باعث دودستگی و دوقطبی شدن دانشکده شود. در آن زمان ریاست دانشگاه با آقای دکتر مهران بود و ایشان از این اختلاف با خبر شده بودند و حکم رئیس دانشکده را صادر نمی کردند. آقای دکتر مهران برای حکمیت پیشنهاد کردند که جلسه شورای دانشکده در حضور ایشان و در سالن شورای دانشگاه برگزار گردد که این کار

انجام شد و در آن جلسه رای گیری مجدداً" بین دو کاندیدا برگزار شد و آقای دکتر اسماعیل زاده اکثریت آراء را کسب نمودند و به عنوان رئیس دانشکده انتخاب شدند و غائله ختم به خیر شد. همکار عزیزمان آقای دکتر حاتمی که با سینی آراء را جمع می کردند بعد ها در دانشکده به عنوان استاد سینی گردان معروف شده بود.

- می توانید آرزوهایتان را بطور خلاصه بیان کنید.

بله می خواهم عرض کنم که میراث گرانقدری را که حاصل فکر و تلاش گذشتگانمان بوده است تحویل گرفته ایم و همانطور که هم اکنون به نیکی از آنها یاد می کنیم امیدوارم به گونه ای رفتار کرده باشیم و عملکردمان در دوره فعالیت و مسئولیتیمان در هر حوزه کاری که بوده ایم به گونه ای باشد که در مراسم صد سالگی دانشگاه آیندگان از عملکرد ما به نیکی یاد کنند و برایمان طلب آمرزش کنند.

- تشکر می کنم

خواهش میکنم. موفق باشید